

دارد. یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که از همان سال‌های نخست زندگی، ذهن انسان را به خود مشغول می‌متد، در رابطه با شناخت خدا است. این امر در مرحله اول، لزوم اصلاح شناخت مربی از پروردگار و سپس توانایی او در جلوگیری از ایجاد خطای شناختی در متربی را آشکار می‌سازد. اصول و روش‌های زیر در این راستا مطرح شده‌اند.

### اصل و روش سلبی

لازمه شناخت ربّ، در ابتدا زدودن خطاهای شناختی ذهن متربی است. بدین منظور در زیر اصل عدم تشبیه خدا به دیگر موجودات و روش ذکر تسبیحی ارائه می‌شود.

#### اصل عدم تشبیه خدا به سایر موجودات

هدف: متربی باید در جهت حذف موانع شناخت صحیح ربّ حرکت نماید.

گزاره واقع‌نگر مبنایی: محدودیت‌های شناختی ذهن آدمی، باعث می‌شود که او خدا را شبیه سایر موجودات هستی بیندارد.

اصل: باید تصورات ذهنی متربی را از تشبیه خدا به سایر موجودات برحذر داشت.

انسان در زندگی همواره با موجوداتی مواجه است که دارای وجود محدود و امکانی هستند. همین امر سبب می‌شود که او دچار خطای شناختی شده و نسبت به خدا نیز تصویری محدود داشته باشد. معرفی جایگاه خدا در آسمان و یا توصیف جسمانی او از جمله آسیب‌هایی هستند که متربی را نسبت به ربّ خویش دچار خطای شناختی می‌کند.

حضرت امیر(ع) در این رابطه می‌فرماید: «آنکه خدا را به شمارش آورد، ازلیت او را

باطل کرده است و کسی که بگوید خدا چگونه است، او را تعریف کرده و کسی که بگوید خدا کجاست، مکان برای او قائل شده است. خدا عالم بود آنگاه که معلومی وجود نداشت. پرورنده بود آنگاه که پدیده‌ای نبود و توانایی بود آنگاه که توانایی نبود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲). براین اساس، یکی از اصول تربیت معنوی آن است که هنگامی که مربی برای شناخت ربّ خویش، از مقایسه و تشبیه کمک می‌گیرد، تصورات غلط درباره‌ی خداوند را از ذهن خود بزداید. اما گاهی مربی بخاطر آنکه سطح شناختی یک کودک را پایین می‌داند، مبادرت به توصیف بشری از خدا می‌نماید. به طور مثال، در معرفی خدا به کودکان برای او مکان قائل شده و او را در آسمان ساکن می‌داند. گاهی فعل خدا را همچون اعمال بشری توصیف می‌کند و یا تغییر حالت روحی انسان را در مورد خداوند نیز به کار می‌برد. اقتضای این اصل، آن است که در تمام سنین به مربی آموزش داده شود که خدا را برتر از وصف برخاسته از محدودیت‌های شناختی تصور خود بداند.

### روش ذکر تسبیحی

اصل: باید تصورات ذهنی مربی را از تشبیه خدا به سایر موجودات برحذر داشت.  
گزاره‌ی واقع‌نگر روشی: بیان تسبیح خدا، اظهار زبانی عدم تشبیه خدا به سایر موجودات است.

روش: استفاده از ذکر تسبیحی برای بازداشتن شناخت از تشبیه خدا به سایر موجودات.

کلمه تسبیح، مصدر فعل «سبح» به معنای منزه داشتن است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲). تسبیح خدا بدین معنی است که هرآنچه را که مستلزم نقص و نیاز باشد با وجود او که کمال مطلق است، سازگار ندانسته و آنرا نفی کنیم. علامه طباطبایی چنین معرفتی را به خداوند، نوع خاصی از علم می‌داند که می‌توان آن را معرفت تنزیهی به خدا دانست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶). انسان با تأمل درمی‌یابد که در اثر محدودیت وجودی خویش، عاجز از احاطه علمی به خداوند است. او باید این معرفت قلبی را جهت تحکیم و تثبیت بر زبان جاری سازد. این عمل ذکر تسبیحی نام دارد.

در قرآن ذکر تسبیحی به طور مکرر توصیه شده است. از آن جمله می‌توان به این آیات اشاره کرد: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا؛ در شبانگاه برای او سجده کن و مقداری طولانی از شب او را تسبیح گوی» (انسان، ۲۶). همچنین «وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ صبح و شام او را تسبیح گوید» (احزاب، ۴۲). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که دو زمان تأکید شده در این آیه، هنگام تحول افق است. در هنگام صبح، افق رو به روشنی و در هنگام غروب، رو به تاریکی می‌رود. در این روش، شخص با دیدن تغییر و دگرگونی در افق، خدا را تسبیح کرده و او را از هرگونه تغییر و تحولی منزّه می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶).

### اصول و روش‌های ایجابی

اصول و روش‌های ایجابی، بیانگر شیوه‌های حرکت در جهت شناخت صحیحی از ربّ است. بدین منظور در زیر اصل ارتقاء سطح معرفت، متناسب با ظرفیت فراگیرنده و یک روش برای آن ارائه می‌شود.

### اصل ارتقاء سطح معرفت متناسب با ظرفیت فراگیرنده

هدف: متربی باید در جهت ارتقاء سطح معرفت نسبت به رب حرکت کند. گزاره واقع‌نگر مبنایی: ظرفیت فهم انسان‌ها، محدود و متفاوت است.

اصل: ارتقاء سطح معرفت باید با ظرفیت فهم فراگیرنده متناسب باشد. توسعه شناخت، مستلزم پیمودن سطوح حقیقت یکی پس از دیگری است. همان‌طور که در مفهوم تربیت معنوی بیان شد، بالا رفتن درک از معارف و حقایق هستی، جزء اعمالی است که در تعالی مجرد نفس آدمی، نقش مهمی ایفا می‌کند. اما برخی، فهم عموم انسان‌ها را درخور دستیابی به حقایق بلند نمی‌دانند. علامه طباطبایی تأکید می‌کند که به دلیل محدودیت ظرفیت انسان‌ها، نباید از بیان این حقایق و تعلیم آنها صرف‌نظر کرد (طباطبایی، ۱۳۸۲). با توجه به برخی آیات در می‌یابیم که روش تربیتی خدا نیز اینگونه است. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا؛ خدا از آسمان آبی نازل کرد و در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد» (رعد، ۱۷). البته گاهی این سیلاب منتهی به دریا می‌شود؛ بدین معنی که ظرفیت محدود انسان در

نهایت قابلیت گنجایش معارف بیشتری را پیدا می‌کند. پیامبران نیز با مردم به اندازه عقل آنها سخن گفته‌اند. کیفیت سخن گفتن آنها با اشخاص مختلف، متناسب با فهم آنهاست. اما این مسئله باعث نشده است که مردم عادی را مخاطب خود و لایق شناخت حقایق ندانند. بنابراین، مربی باید حقایق را با در نظر داشتن لزوم تناسب آنها با سطح درک مربی به او تعلیم دهد و تفاوت‌های فردی متربیان را در نظر داشته باشد. زیرا توجه نکردن به این امر چه بسا در آنها احساسی منفی نسبت به معرفت ارائه شده به وجود آورد و فراگیری آن را در آینده نیز با دشواری همراه کند.

### روش استفاده از استعاره

اصل: ارتقاء سطح معرفت باید با ظرفیت فهم فراگیرنده متناسب باشد.  
گزاره واقع نگر روشی: به کارگیری استعاره و ایجاز در بیان مطلب، باعث می‌شود، افراد با ظرفیت‌های مختلف از آن بهره‌مند شوند.

### روش: به کارگیری استعاره در آموزش حقایق معنوی

علامه طباطبایی به کارگیری این روش را از سوی برخی عرفا برای رساندن پیام خود به مردم سبب محروم نشدن آنان از دریافت حقیقت و بهره بردن از سهمی از آن دانسته است (طباطبایی، ۱۳۸۲). شیخ محمود شبستری که منظومه او دارای عالی‌ترین قطعات عرفانی است، در غزلی به این امر اشاره کرده است. بیت‌هایی از آن برای روشن‌تر شدن مقصود، ذکر می‌شود:

شراب و شمع و شاهد را چه معناست خراباتی شدن آخر چه دعواست  
شراب و شمع، ذوق و نور عرفان بین شاهد که از کس نیست پنهان  
(مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۸)

به عنوان نمونه‌ای از روش به کارگیری استعاره در بیان مفاهیم معنوی به بیت‌هایی از یکی از اشعار علامه طباطبایی نیز اشاره می‌شود:

مهین مهروزان که آزاده‌اند بریزند از دام جان تارها  
فریب جهان را مخور زینهار که در پای این گل بود خارها (همان، ص ۵۱)  
در بیت اول، بیان شده است که قید و بندهای جان آدمی، مانع درک حقیقی

خداوند است و باید این قیدها را که همچون تارهای دام، آدمی را در حدود خویش محصور ساخته است، از وجود وی گسست.

براساس این روش لازم است در برنامه درسی، هنر، تئاتر و درس‌هایی که در آنها می‌توان آموزش نمادین داد در جهت رشد معنوی مورد توجه قرار گیرد.